

فرسنگ نخبوران

تالیف

دوایع خیام پور

(تأهیلرزادو)



انشار است طلاء

سرشناسنامه : خیام پور، عبدالرسول، ۱۲۷۷-۱۳۵۸.
 عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ سخنوران / تألیف ع. خیام پور (تاهباززاده).
 مشخصات نشر: تهران: طلایه، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۱۰۶۰ ص.
 شابک : ۶-۷۶-۲۹۲۵-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی : قیفا
 یادداشت : کتاب حاضر قبلاً به صورت دو جلدی توسط همین ناشر منتشر شده است.
 یادداشت : چاپ دوم.
 موضوع : شاعران ایرانی - سرگذشتنامه.
 نوع : شاعران هندی (فارسی زبان) - سرگذشتنامه.
 شناسه افزوده : فروغی، محمد علی، ۱۳۵۴-۱۳۲۱، مصحح، مقدمه نویسنده.
 ردیف کنگره : ۴۱۳۹۲ ف ۹ خ / PIR۳۵۴۴.
 رده بندی دیسک : ۱/۰۰۹ فا ۸.
 شماره کتابخانه ملی: ۳۲۷۷۶۳۳.



نام ناشر : فرهنگ سخنوران
 تألیف : دکتر عبدالرسول خیام پور (تاهباززاده)
 نوبت چاپ : اول
 سال چاپ : ۱۳۹۳
 شمارگان : ۵۰ جلد
 چاپ : چاپ دیجیتال
 قیمت : ۸۵۰۰۰ تومان
 شابک : ۶-۷۶-۲۹۲۵-۹۶۴-۹۷۸
 ISBN : 978-964-2925-74-2

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت)، کوی مبین، پلاک ۸، طبقه همکف.
 تلفن: ۶۶۴۶۳۲۴۱، دورنگار: ۶۶۴۶۲۹۶۱

یاد دوست

با آنکه سالهاست دکتر خیامپور در جمع محققان ما نیست، فرهنگ سخنوران او که مرجع مستمر مؤسسه در مورد ادبیات ایران خاصه شعر فارسی است حضور او را در بین اهل تحقیق شعر ما مجدداً محسوس نشان می‌دهد. این فرهنگ تحقیقی در واقع کتابشناسی تاریخ شعر و شاعری در زبان فارسی محسوبست در عین حال تحقیقی ابتکاری است که هنوز در زمینه‌های دیگر و در زمینه نشر فارسی جای نظیر آن خالی مانده است.

در این کتاب نویسنده تمام مآخذ قابل دسترس را که در باب نام‌آوران شعر فارسی آمده است در ذیل نام آنها به ضبط می‌آورد: کاری که در این پر محنت که شکیبایی عاشق راسنین را طلب می‌کند و پیدا است که تا محقق عشقی واقع در شعر و زبان فارسی نداشته باشد خود را يك تنه در کاری که امروز جز يك مؤسسه پرطول و پرفروشی، و آن نیز جز با صرف هزینه‌ی فراوان و با همکاری جمعی بسیار از محققان و شاعران از عهدۀ انجام دادنش بر نمی‌آید، درگیر نمی‌کند.

اینک که چاپ دوم کتاب، به پایمردی بازماندگان وی - و افسوس! سالها بعد از درگذشت نویسنده - انتشار می‌یابد سعی مستمری که تا پایان عمر استاد محقق را در تکمیل این کار به تکاپوی جدی واداشته است جلوه دیگر دارد و تحسین و اعجاب بیشتری را در خاطر اهل تحقیق برمی‌انگیزد.

در تابستان سال ۱۳۴۰ شمسی که اول بار با دکتر خیامپور آشنایی پیدا کردم در تبریز و به وسیله دوست جوان از دست رفته‌ام عبدالعلی کارنگ بود. استاد خیامپور در آن ایام در تبریز شیفتگان بسیار داشت و در طهران نیز در اکثر مجامع از او با تکریم یاد می‌شد. فرهنگ سخنوران هنوز انتشار نیافته بود و انتظار می‌رفت در پائیز همان

سال متشر گردد. اما مقالات و تحقیقات دیگر خیامپور که تا آن هنگام انتشار یافته بود دقت نظر و قدرت ابتکار او را نشان می داد.

در آن ایام وی تعدادی از تذکرةهای مهم مربوط به شعر فارسی را نشر کرده بود یا در دست بررسی داشت. در بین سایر آثارش کتابی هم در باره دستور زبان فارسی بود که با وجود اجمال فوق العاده به جهت شیوة علمی استواری که در تنظیم و تقریر طبعه بندی مطالب داشت به اعتقاد من از اکثر آثار مشابه در آن زمینه به نحو بارزی برزیده تر می نمود. با آنکه این کتاب در طهران نزد کسانی که خود در صدور تألیفات کتبایی مفصل در این زمینه بودند تا حدی با سردی و تاخیر سندی مواجه شد نزد تعدادی دیگر که کتب حجیم و افزونی شواهد را در چنین کاری متضمن فایدهایی زیادت نمی دیدند با - من قبیح تلقی شد و اینکه بعد از آن مکرر طبع و نشر شد نشان داد که به رغم متفقدان کار ادبی و قبول و اقبال طالبان واقع شده است. با اینهمه رنجش خاطری که از طرز بررسی متفقدان بعضی مجلات در طهران برای وی حاصل شد مدت ها در ذهنش باقی ماند.

دکتر خیامپور در آن ایام در انکنة ادبیات تبریز معاون و استاد بود اما دقت و مراقبت فوق العاده ای که در امور علمی و دانشجویی داشت مانع از استغراق اوقاتش در تدریس و تحقیق نمی شد دانشجویان و اساتدان در وی به چشم بزرگی و دوستی نگاه می کردند. ظاهراً ده دوازده سالی بیشتر از مدت اشتغالش در دانشکده نمی گذشت اما تعداد دوستان و علاقمندان در همین مدت در خارج از محیط دانشگاه از آنچه در دانشگاه بود کمتر به نظر نمی رسید.

تبریز در آن روزگار يك مركز فعال تحقیقات ادبی و فقهی محسوب می شد و دکتر خیامپور در آنچه به حوزه دانشکده و محیط درس و بحث او مربوط می گردید به نحو مؤثری این فعالیت را تشویق می کرد. در بین سایر اساتدان آن ایام استادان اعیان نوابی، استاد مرتضوی، استاد ترجمانی زاده و استاد حسن قاضی که خود آنها نیز دارای برجسته کمال در فضل و فضیلت بودند در حق این همکار دقیق و زحمت کش و نستوه خویش اعجاب و تحسین فوق العاده نشان می دادند.

در مجامع خارج از دانشگاه هم این اعجاب و تحسین از جانب فضلاء نامدار تبریز همواره در حق او اظهار می گشت. حاجی محمد آقا نخجوانی، حاج میرزا عبدالله مجتهدی، آقا میرزا جعفر سلطان قرانی و حاج حسین آقا نخجوانی از کسانی بودند که در اکثر مجالس در آن روزها، در باب وی مخلصانه و فارغ از هر گونه ریب و ریا اظهار اعتقاد می کردند. از جمله مستفیدانش استاد بهمن سرکارانی و زنده یاد عبدالعلی کارنگ در آنچه

در ستایش وی به بیان می‌آوردند ترجمان اندیشه و احساس یاران مدرسه بودند .
بعدها که آثار و تحقیقات بیشتری از دکتر خیامپور در مجله دانشکده ادبیات تبریز
یا در مجموعه انتشارات دانشگاه آذربایجان انتشار یافت و از آن گذشته شاگردان و
تربیت یافتگان وی تدریجاً از تبریز به طهران آمدند نام و آوازه وی در طهران انعکاس
بیشتری یافت و حتی در خارج از ایران هم با علاقه و تحسین پژوهندگان و دوستان
شعر و زبان فارسی مواجه شد .

چونکه بعد از تقاعد از خدمت به وی سپاسنامه‌یی با عنوان استاد ممتاز داده شد چیزی
بر شأن وی نیفزود اما آنچه دکتر مرتضوی در بزرگداشت استاد ، با بیانی موجز و لطیف
بر زبان راند ، آنچه مرحوم قاضی در باب مراتب دانش وی در طی نطقی شیرین و پر
نکته به بیان آورد ، مخصوصاً آنچه مرحوم ترجمانی زاده در يك چکامه عالمانه و پسر
طنطنه خویش در تبیین مقام دکتر خیامپور انشاء کرد تأثیر قابل ملاحظه‌یی را که شخصیت
ادبی او در محیط فرهنگ و دانش دیار خویش بر جا گذاشته بود عمیق و پرجاذبه نشان
داد .

با آنکه در زمینه تدوین و بسط شخصیت دکتر خیامپور در مرتبه عالی بود ،
باز ، کار آیی و بی‌ادعایی و فروغی ، او را از لحاظ مراتب اخلاقی و انسانی نیز در
مرتبه‌یی و درای مراتب عادی قرار می‌داد ، چرا که من در تبریز و خارج از آن با
احوال و اخلاق دکتر خیامپور آشنایی یافتم او را نمونه‌یی از نادره مردان عالم یافتم -
مردانی صدیق ، فعال ، و در عین حال عاری از تعصب و به نظیر این گونه مردان در مدت
عمر کمتر برخورد هام ، و طرفه آنست که در بین حدودی که آنان هم که آنها را از این
جمله شناخته‌ام ، تعداد زیادی مثل دکتر خیامپور فرزندان آریا مان بوده‌اند .

عبدالحسین زین‌کوب

طهران آبان ماه ۱۳۶۰

هختمصر شرح حال مؤلف



آقای دکتر عبدالرسول تاهباز زاده (معروف به خیامپور) فی الحال در خدمت محمود تاهباز به سال ۱۲۷۷ هجری شمسی در تبریز تولد یافتند. پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز به تهران رفتند و با گرفتن گواهی نامشروع از دبیرستان دارالفنون در سال ۱۳۰۶ به سمت تدریس فرهنگ درآمدند و سه سال در اهواز به تدریس پرداختند. سپس در دارالمعلمین تحصیلات خود را ادامه داده در سال ۱۳۱۲ لیسانس فلسفه و ادبیات گرفتند و به مناسبت شاگرد اولی به گرفتن رتبه اول علمی نایل و پس از آن در دارالفنون و دیگر دبیرستانهای تهران به تدریس مشغول شدند.

از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۵ سمت مدیری دبستان ایرانیان را در استانبول داشتند و در ضمن ادامه این خدمت به گرفتن لیسانس دیگر و دکتری (با درجه افتخار) از دانشگاه استانبول توفیق یافتند.

پس از تأسیس دانشگاه تبریز از مهرماه ۱۳۲۶ در دانشکده ادبیات تبریز به تدریس پرداختند. در خردادماه ۱۳۲۹ به ریاست کتابخانه دانشکده نیز منصوب و در شهریور همان سال از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دانشکده انتخاب شدند ولی به عللی آنرا

۱- به نقل از نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، بهار ۱۳۴۹ با پاره‌ای اضافات و تغییرات.

نپذیرفتند و تا ۲۵ فروردین ۱۳۴۲ معاونت دانشکده را به عهده داشتند و پس از آن مدتی نیز کفیل دانشکده بودند و سپس تنها به تدریس و تحقیق پرداختند.

در ۱۵ تیرماه ۱۳۴۸ بازنشته شدند و با توجه به مقام علمی و خدمات آموزشی پژوهشی به پیشنهاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه از تاریخ دهم دی ۱۳۴۸ به مقام «استادی ممتاز» نائل آمدند. استاد دکتر عبدالرسول خیامپور نخستین استادی ممتاز دانشگاه تبریز می باشد.

استاد در شهریور سال ۱۳۴۹ به تهران نقل مکان کردند و از آن پس به جز یک سالی در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشتند تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب فرهنگ سخنوران نمودند و در سالهای آخر زندگی خویش بخاطر بیماری و هرگونه نالیت فرهنگی نیز محروم ماندند.

فوت استاد در دهم فروردین ماه ۱۳۵۸ اتفاق افتاد. از ایشان چهار پسر و سه دختر به یادگار مانده است.

تألیفات و آثار استاد دکتر خیامپور را می توان به چهار قسمت تقسیم کرد:

۱- تألیفات:

- الف- دستور زبان فارسی (این کتاب تاکنون بارها به طبع رسیده است).
- ب- فرهنگ سخنوران (کتاب شناسی شعری که به فارسی شعر سروده اند).
- ج- رساله یوسف و زلیخا (تحقیق درباره منظومه های یوسف و زلیخا در ادبیای ایران و ترک).
- د- رساله عربی برای فارسی.

۲- ترجمه:

تذکره مجمع الخواص تألیف صادقی افشار که در ترکی حقایق به زبان فارسی ترجمه شده است.

۳- مقاله:

- الف- سلسله مقالات غلط مشهور که در ۱۳ شماره از شماره های سال اول و «نشریه دانشکده ادبیات تبریز» انتشار یافته است.
- ب- شیوه انتقاد در مجله راهنمای کتاب.
- ج- رسم خط فارسی

و چند مقاله دیگر که از ترکی به فارسی ترجمه شده است.

۴- تصحیح و تحشیه:

- الف- مجمع الخواص (که علاوه بر ترجمه تصحیح نیز شده است).

ب۔ نگارستان دارا ، جلد اول۔

ج۔ ریاض الوفاق (که تلخیص نیز شده است)۔

د۔ تذکرہ اختر ، جلد اول۔

هـ۔ مصطفیٰ خراب .

و۔ تذکرہ حدیقه امان اللہی .

ز۔ تذکرہ روضۃ السلاطین .

ح۔ سنیۃ المحمود، در دو جلد .

www.ketab.ir

شده چاپ دوم

چاپ اول کتاب «فرهنگ» در آبانماه ۱۳۴۰ انتشار یافت. از تاریخ انتشار آن تا سال ۱۳۵۵ مؤلف به تحقیق کتابی که در چاپ اول به عللی در دسترس نبود ادامه داد. در نتیجه در چاپ جدید حجم کتاب نسبت به چاپ اول حدود صد درصد و از نظر تعداد منابع بیش از پنجاه درصد اضافه شده است. بخشی از این اضافات شامل سخنورانی است که نامشان در چاپ اول موجود نیست و بخش دیگر مربوط به منابعی است که به منابع شعرای سابق الذکر اضافه شده است.

در چاپ جدید کتاب همان روش چاپ اول بکار رفته است و شرح علائم اختصاری در مقدمه چاپ اول آمده است. برخی از علائم بکار رفته در چاپ اول که منظر بعضی از ستفاده کنندگان به اندازه کافی گویا نبوده و علائم جدیدی که در چاپ دوم بکار رفته است بیلا شرح داده می شود:

- ۱- علامت « به عنوان ایضاً بکار برده شده است چنانچه منظور از [هدایت (م)]، ب، ۲۹- (ر)، ۱۲۸] همان [هدایت (م)، ب، ۲۹- هدایت (ر)، ۱۲۸] میباشد.
- ۲- علامت؛ نماینده جداکننده دو منبع یکسان با شماره جلد های متفاوت میباشد چنانچه منظور از [ارمغان، سال دهم، ۳۲۱؛ سال هفدهم، ۵۵۴] همان [ارمغان، سال دهم، ۳۲۱- ارمغان، سال هفدهم، ۵۵۴] میباشد.
- ۳- «گک» به معنی برگ در کتب خطی بکار رفته است. مثلاً گک ۲۳۵ به معنی برگ شماره ۲۳۵ از نسخه فتو کبی کتاب خطی مربوطه میباشد.

باید متذکر شویم که مؤلف بعد از اتمام نسخه جدید، با وجود اشتیاق فراوانی که به نشر آن داشت، به علت بیماری توفیق انجام این کار را نیافت. چاپ آن بصورت موجود نیز امکان پذیر نبود، زیرا با وجود اینکه کتاب از نظر محتوی آماده چاپ محسوب می شد، لیکن به منظور استفاده مستقیم در امر چاپ می بایست بصورتی منظم بازنویسی شود. به دلیل آشنایی به دستخط مؤلف تصمیم بر آن شد که ما خود بجای افراد نا آشنا به دستخط مؤلف این کار را به عهده بگیریم. از سال ۱۳۵۸ که پاکوئیس کتاب تمام شده بود کوشش فراوانی در جهت سرچاپ دوم بعمل آمد. در یاکه این امر در آن زمان با وجود تلاش فراوان میسر نشد و بها اکنون بعد از ۱۰ سال است که کتاب در دسترس علاقمندان قرار گرفته است. مطمئناً که به عهده تهیه چاپ دوم نیز از کمک بی دریغ دوستان و همکاران و مؤسسات گوناگون برخوردار شده است که متأسفانه دسترسی بنام آنها مقدور نیست ولی امیدواریم که مراتب سپاسگزاری و قبول همگی قرار گیرد.

کلیه کارهای تحقیقی و تنظیم کتاب توسط خود مؤلف انجام گرفته است، سهم ما فقط بازنویسی مطالب موجود بوده است. احتمال دارد که ضمن پاکوئیس این نسخه اشتباهاتی را مرتکب شده باشیم که در آنها تقصیری نیست. تذکر خوانندگان گرامی در صورت برخورد به چنین لغزشهایی موجب سپاسگزاری خواهد بود.

وبالآخره، کتاب مزبور، آنچنانکه مؤلف خود نیز بارها اذعان کرده بود، بهیچوجه کامل نیست و اگر دنباله کار توسط گروه یا مؤسسه ای گرفته شود، می تواند برای محققان و دوستداران سخن و سخنوری کمکی بهتر باشد و بی تردید آرزوهای بزرگ مؤلف یعنی تسهیل در امر تحقیق در منابع غنی زبان و ادبیات ایران زمین را برآورده سازد.

خانه ادع مؤلف
پایان ماه ۱۳۶۸

مقدمه

از همان اوایل دوره تدریس خود در دانشگاه بخاطر دارم که هر وقت درباره یکی از شعرا به تحقیق می پرداختم پیش خود میگفتم کاش کتابی وجود داشت حاوی بیسیوگرافی همه گویندگان شعر فارسی از ایرانی و غیر ایرانی، تا هر که میخواهد درباره شاعری تحقیق کند، بی آنکه در جستجوی منابع پیدا کردن صفحهاصفاحتی از آنها که شرح حال این شاعر را دربردارد بدستی صرف وقت نماید، فوری صفحه معینی را ازان کتاب باز میکرد و بر غلب منابع با شمارش صفحه در مطلوب اطلاع می یافت.

این آرزو همیشه و مکرر با بخود مشغول میداشت و در پی آن بودم که فرصتی بدست بیاورم تا شاید بتوانم چنین اثری از خود بیادگار بگذارم. در نارخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۳۴ عزم خود را جزم کردم و بتبیه فیشهای لازم پرداختم. مدت چهار سال یگانه وسیله تفریح من در خارج از اوقات اداری و رسمی همین مشغله بود که حتی بسی اوقات تا ساعت یک بعد از نصف شب طول میکشید. در اسفندماه ۱۳۳۸ دیدم تقریباً همه تذکره های چاپی و خطی را که در دسترسم بود از نظر گذرانیده ام. فکر کردم که آیا بمنظور تکمیل اثر بکار خود همچنان ادامه داده درصدد تحصیل نسخی که در دسترس نیست برآیم یا آنچه را که فعلاً موجود است بطبع برسانم و سپس به تکمیل فیشهای جدید بپردازم؟ دلیل مرا واداشت که شق دوم را برگزینم؛ از آنجمله اینکه عمر را شایان اعتماد نمیدیدم، میدیدم که این اثر را هرگز نتوانم بدرجه کمال رسانید و منتهای کمال در آن آنست که سرعت در حال تکمیل باشد؛ بدلیل اینکه نه احاطه کامل بر همه منابع مقدور است و نه دوره سخنوری و تذکره نویسی سپری میگردد. این بود که شروع بچاپ آن کردم و کار چاپ نیز در مدت بیست ماه پیاپی رسید. اینک آنرا که پس از مجاهدت شش ساله از طبع درآمده است بنام «فرهنگ سخنوران» بجامعه علم و ادب تقدیم مینمایم و از خوانندگان گرامی امیدوارم از لغزشهایی که در آن مشهود خواهد افتاد چشم پوشی فرمایند. من خود معترفم که این اثر خالی از اشتباه

نیست و تقیصه زیادی دارد؛ چنانکه مثلاً در تهیه آن از منابع غربی و همچنین از منابعی که در دسترس نیست استفاده نشده است. ولی در عین حال معتقدم که فعلاً اثر سودمندی است و در آینده میتواند هسته مرکزی کتاب بسیار جامعی را تشکیل بدهد.

در اینجا بر خود فرض میدانم که از دوستان فاضل و ارجمند خود آقایان حاج محمد نخجوانی و حاج حسین نخجوانی و جعفر سلطان‌القرائی که کتابهای مورد نیاز مرا در تهیه این اثر از کتابخانه خصوصی خود با کمال سعه صدر در اختیارم گذاردند صمیمانه سپاسگزاری کنم و از دوست عزیزم آقای دکتر رحیم فرخس نیز که از پایان‌نامه‌شان بنام «تذکره نویسی در ایران» و بتاریخ سیم اردیبهشت ۱۳۳۰ استفاده کرده‌ام یادی نمایم.

در ادامه اینم میدانم سخنی چند در باره روشی که درین کتاب بکار رفته است از باب مقدمه عرض خوانندگان محترم برسانم:

۱- درین کتاب معرفی و شاعر بتخلص و نسبت اوست، مانند «فردوسی طوسی»، «سعدی شیرازی» و غیر اینها، که بحروف درشت سیاه نوشته شده است. و شاعری که بتخلص نداشته است یا اسم معرفی گشته و آنکه چند بتخلص دانسته عموماً آخرین بتخلص و نام او بکار بوده، ولی ذکر دیگر تخلصها نیز در جای خود اهمال نشده است.

۲- پس از ذکر بتخلص و نسبت شاعر، دیگر مشخصات وی از قبیل نام و نام پدر و تاریخ وفات بین دو قلاب قرار گرفته و میان تاریخ وفات و دیگر مشخصات خط فاصلی کشیده شده است.

۳- آنجا که تاریخ وفات شاعر معلوم نبوده درین کتابش با ذکر تاریخ تولد وی بعلامت (ت) یا سالی که در آن تاریخ زنده بود (ز) یا قرنی که در آن میزیسته بکلماتی مانند «چهارم»، «پنجم»، «ششم» و غیر آنها یا نام فرمانروا یا یکی از عارف و مشاهیر همزمان وی بر طبق «تاریخ نواریخ» (در صفحات کب - یط) تعیین گردیده است.

۴- هر جا که وفات شاعر مورد اختلاف بوده هر يك از آن سنوات بترتیب درج شده است.

۵- آنجا که یکی از مشخصات اسمی یا تاریخی شاعر معلوم نبوده بجای آن سه نقطه گذارده شده است، مانند [...] - [...] - [...] .

۶- در مشخصات شاعر کلمه‌یی که توی پاراتز نوشته شده از کلمه سابق نسخه بدل است، چنانکه مثلاً [محمود (محمد) - ...] نشان میدهد که نام شاعر در بعض منابع محمود و در برخی محمد است.

- ۷- علامت (+) درست زاست اعداد نماینده صفر و بالاتر از آنست
 تاده؛ چنانکه مثلاً + ۱۲۸ شامل ۱۲۸۰ است تا ۱۲۸۹ .
- ۸- حروف « ابجد » نماینده شماره جلد ها است؛ چنانکه ب نماینده
 جلد دوم است و ط (الف) علامت بخش اول از جلد نهم .
- ۹- (ش) علامت سال شمسی است و هر تاریخی که مطلق باشد مقصود از
 آن سال قمری است .

۱۰- منابع بعلامات اختصاری نشان داده شده است و تفصیل آنها بعنوان
 «فهرست منابع» پس ازین مقدمه بلا فاصله ذکر خواهد شد؛ چنانکه تفصیل
 تواریخ نیز بعنوان «فهرست تواریخ» پس از «فهرست منابع» خواهد آمد .

تبریز - آبانماه ۱۳۴۰

دکتر ع . خیامپور